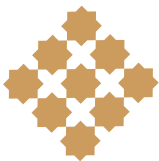




## در ۱۹ سالگی به درجه اجتهاد رسید

رزق لا یحتسب که حتماً پول نیست. خداوند این رزق را وسیع می کند. مصداقش این است که ایشان در ۱۹ سالگی به درجه اجتهاد می رسد و نامه اجتهاد را از حضرت امام خمینی (ره) می گیرند.



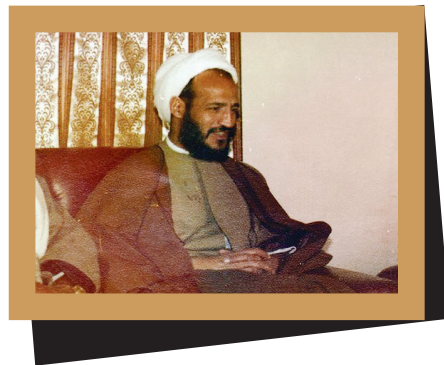
رهبر معظم انقلاب  
درباره شهید حقانی  
می فرمایند: «شهید  
حقانی ظاهرش  
خیلی آرام بود اما  
در محل ماموریتی  
خودش به شدت  
در جریان بود و  
کارهایی که انجام  
می دهد خیلی  
نمی فهمیدند.»  
این تعبیر از نظر من  
بسیار جالب است.  
البته مکرر از زبان  
مردم شنیدم که  
بسیار مهربان، خوش  
بر خورد و رؤف  
بودند

غلامحسین می شود. حقیقتاً هم وقتی به جریان زندگی پدر نگاه می کنم، احساس می کنم ایشان در راستای همان غلام بودن زندگی کردند و در همین راه هم به شهادت رسیدند. یکی از چیزهای دیگری که برایم جالب است در بحث فضای سیاسی، ایشان عضو حزب جمهوری نمی شود، با وجودی که در حزب جمهوری به شهادت می رسد وقتی ازش می پرسند: چرا عضو حزب نمی شوی؟ می گوید: من الان حزب جمهوری را قبول دارم چون در مرام امام (ره) حرکت می کند اما ممکن است زمانی برسد که این حزب در راستای امام حرکت نکنند و تعلق خاطر من به حزب باعث شود نتوانم پای حرف امام بایستم.

### از فعالیت های پدر در زمان حیات تعریف

کنید؟

بحث انس و وحدتشان با اهل تسنن در زمانی که این صحبت ها زیاد باب نبود برایم خیلی جالب است اینکه عقایدشان وحدت بین شیعه و سنی بود. در بحث خارج از کشور هم شورای هماهنگی تبلیغات گروه های مختلف را به کشورهای مختلف اسلامی می فرستند و پدر به کشورهای لیبی، یمن، عربستان، مصر و سوریه می رود. با بزرگان عالم دینی آنجا جلسه می گذارند و حرف انقلاب را منتقل می کنند. چون ایشان به زبان عربی تسلط داشتند برای اهل تسنن منبر عربی می روند و جلسه می گیرند. یکی از علمای بزرگ مصر در جلسه ای می گوید: فکر نمی کردیم یک عالم تشیع اینقدر مسلط به مستندات و منابع اهل تسنن باشند. وقتی این گروه ها از سفر برمی گردند و پدر به عنوان مسئول ساماندهی خدمت حضرت امام (ره) گزارش کار می دهد امام خمینی (ره) می فرمایند: این که می گویند انقلاب صادر شود کاری است که آقای حقانی انجام دادند. پدر از این فرمایش حضرت امام (ره) آنقدر خوشحال می شوند که مادر تعریف می کرد تا چند روز در خانه راه می رفت و می گفت: «امام راضی بود، امام خوشحال بود». در عمرم هیچ وقت پدرتان را اینقدر خوشحال ندیده بودم.



برای من در این سن است..

### بهترین تعریفی که درباره شهید حقانی

شنیدید چه بوده است؟

رهبر معظم انقلاب تعبیری درباره ایشان دارند به معنای «رود آرام» ایشان می فرمایند: «شهید حقانی مانند رود آرام بود». وقتی به رود می رسی، اگر چه ظاهر آرام دارد اما از زیر به شدت در جریان است ایشان می فرمایند: «شهید حقانی ظاهرش خیلی آرام بود اما در محل ماموریتی خودش به شدت در جریان بود و کارهایی که انجام می دهد خیلی ها نمی فهمیدند». این تعبیر از نظر من بسیار جالب است. البته مکرر از زبان مردم شنیدم که بسیار مهربان، خوش برخورد و رؤف بودند.

### روایتی که درباره پدر شنیده باشید و برایتان

هنوز جذابیت داشته باشد؟

جالب ترین قصه اش همان اسمش است ایشان در ۲ سالگی نابینا می شوند و اسمشان هم حبیب بوده است. روز عاشورا مادر بزرگم ایشان را به امام زاده ای در شهر قم به نام «امام زاده شاه حمزه» می برد که همه دسته های عزاداری آنجا جمع می شدند. مادر بزرگم می گوید: خدایا حبیب من راشفا بده. اگر تو شفا بدهی او را غلام تو می کنم. همان شب پدر شفا پیدا می کند و بینا می شود. از آنجا به بعد اسمش

## حلالم کنید

- وصیت: خواهرانم و مادر مهربانم و پدر گرامی ام! از شما می خواهم که در زمانی که من شهید شدم کمال استقامت و پایداری را به خود نشان دهید. یک خواهش دارم، آن این است که ای برادران من! دنبال این دنیای بی ارزش نروید و فریب زرق و برق دنیا را نخورید و الا پشیمان خواهید شد که پشیمانی سودی ندارد.
- راه و روش تان مطابق اسلام و قرآن باشد، به خدا ما در معرض امتحان هستیم و کاری کنید که از این امتحان پیروز بیرون بیایید.
- نکته: ضمن تقاضای مجدد از همه شما می خواهم که مرا ببخشید و حلال کنید.

